عکس‌ها: محمدرضا جوفار، وطن‌امروز

گفت‌وگوی وطن‌امروز با دکتر منوچهر متکی، وزیر اسبق امور خارجه درباره تأثیر قدرت‌زایی میدان بر موفقیت دستگاه دیپلماسی

از کرمان تا کرملین

بدون قدرت میدان، دست دیپلمات‌ها برای مذاکره خالی است

اقدامات و تاثیرات سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی در منطقه غرب آسیا و جهان دارای ناگفته‌های بسیار است. اگر چه این شهید مخلص از رسانه‌ای شدن تاثیرات شگرف تلاش‌های خود در بازگشت امنیت به منطقه و نجات جان و مال و ناموس میلیون‌ها انسان مظلوم، گریزان بود لکن روشن و نمایان شدن تلاش‌های طاقت‌فرسای ایشان در این حیطه بسیار ضروری و مفید به نظر می‌رسد. ایجاد همگرایی و هم‌افزایی بین مجموعه نظامی کشور و دستگاه سیاست خارجه و به تعبیری ایجاد پیوند بین میدان و دیپلماسی از راهبردهای ثابت سردار سلیمانی در پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی و منافع ملی در سطح منطقه و جهان بود. به رغم بی‌انصافی‌ها و بی‌مهری‌هایی که پس از شهادت ایشان نسبت به سردار و عملکرد او شد، او همیشه به دنبال تعامل با تفکرهای مختلفی بود که هر چند سال زمام دستگاه دیپلماسی کشور را در دست می‌گرفتند. ایشان پیوسته برای پیشبرد اهداف دیپلماسی کشور، زمینه‌سازی کرده و شرایط میدانی را برای آن فراهم می‌کرد. دوست و دشمن به این نکته اذعان دارند که او صرفا یک مقام نظامی نبود که چیزی از مذاکره و دیپلماسی نداند، بلکه همان‌گونه که در اقناع پوتین و روسیه برای حضور در جنگ سوریه نشان داد، علاوه بر یک فرمانده چیره‌دست، مذاکره‌کننده‌ای قهار نیز بود. در همین راستا به منظور بررسی و موشکافی مسائل کمتر گفته شده در سیره و سیاست سردار سلیمانی، با دکتر منوچهر متکی، وزیر اسبق امور خارجه گفت‌وگو کردیم.

■ **جناب دکتر متکی! نخستین مواجهه شما با سردار سلیمانی چه زمانی بود و داستان آشنایی شما با شهید سلیمانی چگونه کلید خورد؟**

در ابتدا تبریک و تسلیت عرض می‌کنم به مناسبت سالگرد شهادت شهید عزیزی که نماد نسلی بود که نه در پی خودنمایی و مطرح شدن بود و نه برای بسیاری از آنها اساسا اینگونه حرف‌ها مطرح بود. این شهیدان گرامی مصداق کسانی بودند که قرآن درباره آنها می‌فرماید: «مِنَ الْمُؤمِنینَ رِجالٌ صَدَقوا ما عاهَدُوا اللهَ عَلَیهِ فَمِنهُم مَن قَضی نَحبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ یَنْتَظِرُ»؛ کسانی که رفتند و به شهادت رسیدند و بسیاری که هستند ولی کماکان همان روحیه را دارند.

اولین آشنایی‌های من با سردار سلیمانی اوایل دهه ۷۰ شکل گرفت. در آن زمان ایشان با وزارت امور خارجه دوره اول اصلاحات در ارتباط بود، ارتباطی که با سختی‌ها و مشکلات فراوان برای هماهنگی‌های خارج از کشور همراه بود و اگر نبود روحیه خاص ایشان، قاعدتا بسیاری از کارهای ماندگاری که در آن زمان با محوریت مساله افغانستان و در ادامه آن عراق شکل گرفت، به وقوع نمی‌پیوست. در آن برهه نگاه خاصی مبنی بر اینکه مسائل افغانستان به طریق ویژه‌ای باید مدیریت شود و هماهنگی‌های بیرون آن باید به شکل خاصی شکل بگیرد، حاکم بود که این قاعدتا با فهمی که نسبت به عمق این ۲ بحران در منطقه ما وجود داشت، همسانی نداشت. یکی از نکات اساسی و مهم در آن ۲ بحران این بود که آمریکایی‌ها شایستگی و صلاحیت مدیریت این ۲ بحران را نداشتند و این قبل از حمله آمریکا به افغانستان یعنی پیش از ۱۱ سپتامبر بود.

پیگیری‌های حوزه میدانی خارج از کشور توسط حاج‌قاسم، همفکران و همرزمانش برای من بسیار جالب بود. ایشان موضوعات را بدون بحران‌سازی به پیش می‌برد. ایشان اهداف را بدون اینکه تنش‌هایی که مانع کار باشد به وجود بیاید، محقق می‌کرد. ما برخی از مسؤولانی را که نیمه دوم دهه ۷۰ در کار دیپلماسی کشور بودند می‌شناسیم، آنها قاعدتا سنخ فکری متفاوتی داشتند اما هیچ‌وقت هیچ جا مطرح نمی‌شد که مثلا در فلان موضوع اختلاف‌نظرهایی به‌وجود آمده است. سعی می‌کرد به هر طریقی شده راهی برای رسیدن به مقصود پیدا کند. بنابراین آشنایی من با حاج‌قاسم در یک رابطه کاری نبود، بلکه به جهت اینکه آن زمان در وزارت امور خارجه به عنوان سفیر ایران در ژاپن مسؤولیت داشتم، قاعدتا در جریان کارهای تأثیرگذار میدانی جمهوری اسلامی در خارج از مرزها قرار داشتم و اینگونه بود که از احوالات و اقدامات سردار سلیمانی آگاهی یافتم. همان‌طور که می‌دانید سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی فعالیت‌های زیادی برای هم‌افزایی نیروهای مقاومت در منطقه انجام می‌داد. زمانی که مجموعه نیروهای انقلابی در لبنان با هم بر سر مسائلی تعارضاتی داشتند، تدبیر جمهوری اسلامی و حاج‌قاسم سلیمانی موجب شد آنها هم‌افزا شوند و نیروهای انقلابی در لبنان سامان مناسبی پیدا کنند. نهایتا در سالیان بعد، حزب‌الله مولود مبارک آن همگرایی‌ها و همفکری‌های برآمده از دل تنش‌ها و بحران‌هایی بود که ما در لبنان در میان نیروهای انقلاب داشتیم.

شهید سلیمانی در عنفوان جوانی در عملیات‌های مختلف دفاع‌مقدس شایستگی‌های خود را نشان داد، به گونه‌ای که در همان زمان مورد توجه ویژه رهبر معظم انقلاب و فرماندهی کل قوا قرار گرفت. حال با گذشت ده‌ها سال از دفاع‌مقدس، سردار سلیمانی در جایگاه فرماندهی سپاه قدس قاعدتا باید خالق صحنه‌ها و پازل‌های جدیدی باشد. این نقشه‌ای که امروز ما می‌توانیم به وضوح شکل‌یافتگی و تأثیر آن را نه تنها در سطح منطقه، بلکه در سطح بین‌الملل ملاحظه و لمس کنیم، حاصل تلاش‌های حاج‌قاسم سلیمانی در دوران بلوغ فرماندهی ایشان است. ایشان در کربلای ۴ و ۵ هم در حوزه نظامی فرماندهی داشت اما قاعدتا با این نگاه جدید ما شاهد تولد یک حاج‌قاسم جدیدی بودیم.

کشورهایی که بازیگران اصلی در صحنه‌های جهانی هستند، اعتقاد جدی دارند که تنها و تنها در سایه استفاده از همه ظرفیت‌های‌شان می‌توانند نقش‌آفرینی کنند و آمریکایی‌ها مصداق بارز این نگاه هستند. آنجا که لازم است دیپلماسی و آنجا که لازم است، میدان به کمک هم می‌آیند

■ **به نکته‌ای اشاره کردید که توجه مرا جلب کرد و آن بحث همکاری حاج‌قاسم با رویکردهای مختلفی بود که در وزارت امور خارجه سر کار می‌آمدند. در چند ماه گذشته به واسطه افشای یک فایل صوتی مباحثی درباره جایگاه سپاه قدس و شخص شهید سلیمانی در امر دیپلماسی مطرح شد و دوگانه‌ای با عنوان «دیپلماسی-میدان» شکل گرفت. با توجه به اینکه شما تجربه سکانداری وزارت امور خارجه را در کارنامه اجرایی خود دارید، حقیقتا این یک دوگانه واقعی است و شما این دوگانگی را در سیاست‌های خارجی کشور لمس کرده‌اید؟**

کسانی که چنین نگاهی را القا می‌کنند و کسانی که در داخل به تبعیت از آنها این نگاه را تبلیغ می‌کنند، خودشان چنین باوری ندارند. شما اگر به آمریکا نگاه کنید، هیچ‌وقت بین ستاد مرکزی دیپلماسی آمریکا و پنتاگون چنین تعارضی وجود ندارد. در واقع کشورهایی که بازیگران اصلی در صحنه‌های جهانی